

سید جواد حسینی



گوشه‌هایی از تلاش عالمی امام حسن عسکری علیه السلام

حضرت سرانجام در هشتم ربیع الاول
۲۶۰ هـ. ق به دسیسه معتمد عباسی در
شهر سامراء به شهادت رسید.^۲

دوران طاقت فرسا

خلفای عباسی از هر گونه اعمال
فشار و محدودیت نسبت به امامان
دریغ نمی‌کردند، و این فشارها و
سخت‌گیریها در عصر امام جواد، امام
هادی و امام عسکری علیه السلام در سامراء به
اوج خود رسید. شدت این فشارها به

امام حسن عسکری علیه السلام در هشتم
ربیع الثانی (یا ۲۴ ربیع الاول) سال ۲۳۲
هـ. ق دیده به جهان گشود و با نور
خویش آسمان مدینه را نورانی کرد.
پدر آن بزرگوار امام هادی علیه السلام و مادر با
عظمتش «حدیثه» بود که از او به عنوان
«سوسن» و «سلیل» نیز یاد کرده‌اند. وی
از بانوان نیکوکار و دارای بینش
اسلامی بود و در فضیلت او همین بس
که پس از شهادت آن حضرت، پناهگاه
و نقطه اتکای شیعیان در آن دوران
بحرانی و پر اضطراب بود.^۱

مجموع عمر حضرت
عسکری علیه السلام به ۲۸ سال می‌رسد و آن

۱. انوار البیبه، شیخ عباس قمی، کتابفروشی
جعفری، ص ۱۵۱.
۲. الارشاد، شیخ مفید، قم، مکتبه بصیرتی،
ص ۳۴۵.

قدری بود که سه پیشوای بزرگ شیعه که در مرکز حکومت آنها (سامراء) می‌زیستند، با عمر کوتاهی جام شهادت نوشیدند؛ امام جواد علیه السلام در سن ۲۵ سالگی، امام هادی علیه السلام در سن ۴۱ سالگی و امام حسن عسکری علیه السلام در سن ۲۸ سالگی که جمعاً ۹۲ سال می‌شود. و این حاکی از جوّ پر اختناق و شدت صدمات رسیده به آنها می‌باشد.^۱

در این میان، محدودیتها و فشارهای دوران امام عسکری علیه السلام بیش از دو پیشوای دیگر بود. و علت اینکه امام حسن عسکری علیه السلام را، عسکری می‌گویند، این است که حضرت به دستور خلیفه عباسی در «سامراء» در محله «عسکر» سکونت اجباری داشت؛^۲ چرا که خلیفه از نفوذ و موقعیت مهم اجتماعی امام نگران بود و حضرت را ناگزیر کرده بود که هر هفته روزهای دوشنبه و پنجشنبه در دربار حاضر شود.^۳

دربار عباسی به این مقدار نیز اکتفا نکرد، بلکه «معتز» امام را بازداشت و زندانی کرد^۴ و حتی به «سعید حاجب»

دستور داد امام را به سمت کوفه حرکت دهد و در طول راه او را به قتل رساند؛ ولی پس از سه روز خود معتز توسط ترکان به هلاکت رسید.^۵

پس از او «مهتدی» نیز امام را بازداشت و زندانی کرد و تصمیم به قتل حضرت داشت که خداوند مهلت نداد و ترکان بر ضد او نیز شوریدند و او را به قتل رساندند.^۶

حتی حضرت در زندان نیز توسط برخی جاسوسان مخفی تحت کنترل بود؛ از جمله شخصی زندانی به نام جمحی (عجمی) گزارشی از فعالیت حضرت و شیعیان آماده کرده بود که به خلیفه برساند، ولی حضرت عسکری علیه السلام به شیعیان زندانی تذکر

۱. سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، مؤسسه امام

صادق علیه السلام، چاپ دوم، ۱۳۷۴، ص ۶۲۱.

۲. ر.ک: علل الشرایع، صدوق، قم، مکتبه الطباطبائی، ج ۱، ص ۱۷۶ و ۲۳۰.

۳. بحار الانوار، مکتبه الاسلامیه، ج ۵۰، ص ۲۵۱؛ دلائل الامامة، جریر طبری، قم، منشورات

الرضی، چاپ سوم، ۱۳۶۳ ه. ش، ص ۲۲۶.

۴. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۱۱.

۵. همان، ص ۳۱۳.

۶. کتاب الغیبة، شیخ طوسی، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه، ص ۱۳۴.

داد که «هم‌اکنون گزارش تهیه شده در لای لباس او پنهان است». شیعیان بعد از تفتیش متوجه شدند که مطالب خیلی مهم و خطرناکی را علیه امام و آنها تهیه کرده بود.^۱

این فشار و کنترل شدید در عصر «معمتم» به اوج خود رسید و سرانجام باعث شهادت امام گردید.

تلاشهای علمی امام

عسکری علیه السلام

حضرت عسکری علیه السلام با وجود همه آن فشارها و کنترلها و مراقبتهای بی‌وقفه حکومت عباسی، یک سری فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و علمی در جهت حفظ اسلام و تشیع و مبارزه با افکار ضد اسلامی و ضد شیعی انجام داد که اهم کوششها و تلاشهای علمی - فرهنگی آن حضرت عبارت است از:

۱. تربیت شاگردان

گرچه حضرت عسکری علیه السلام بر اثر نامساعد بودن زمان و محدودیت بسیار شدید که حکومت عباسی اعمال می‌کرد، موفق به گسترش دانش دامنه‌دار خود در سطح کل جامعه نشد، ولی در تربیت شاگردانی که هر کدام به

سهم خود در نشر و گسترش معارف ناب تشیع و رفع شبهات دشمنان شیعه نقش مهم و به‌سزایی داشتند، موفق گشت.

شیخ طوسی رحمته الله علیه تعداد شاگردان آن حضرت را بیش از صد نفر ثبت کرده است^۲ که در میان آنان چهره‌های برجسته و مردان وارسته‌ای، مانند: احمد بن اسحاق اشعری قمی، ابو هاشم داود بن قاسم جعفری، عبدالله بن جعفر حمیری، ابو عمرو عثمان بن سعید عمّری (نائب خاص حضرت حجت)، علی بن جعفر، محمد بن حسن صفار و... به چشم می‌خورند.^۳

۲. تشویق نویسندگان

هر قلم به دست متعهد، نهایت تلاش خود را برای اطلاع‌رسانی، هدایت و... جامعه به کار می‌بندد؛ ولی تشویق از نویسنده و آثار او خستگیها را از تن او دور می‌کند، و بر فعالیت او

۱. الفصول المهمة، ابن صنایع مالکی، چاپ قدیم، ص ۳۰۴؛ نور الابصار، شبلنجی، قاهره، مکتبة المشهد الحسيني، ص ۱۶۶.

۲. رجال، شیخ طوسی، چاپ نجف، المکتبة الحیدریة، ۱۳۸۱ ه. ق، ص ۴۲۷.

۳. سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، ص ۶۲۷.

نمی‌گیرند [و توجه نمی‌کنند].^۱ و همچنین نقل شده است که برخی آثار را خدمت حضرت عسکری علیه السلام عرضه داشتند که درباره آن نظر دهد. حضرت فرمود: «صَحِيحٌ فَاغْمُولُوا بِهِ»^۲ صحیح است بدان عمل کنید!

بر اثر همین تشویقها بود که شانزده تن از شاگردان حضرت، دست به تألیف زدند و ۱۱۸ عنوان کتاب، نمره آن شد. از میان آنها علی بن حسن فضال^{۳۶} کتاب، محمد بن حسن صفار^{۳۵} کتاب، عبدالله بن جعفر حمیری^{۱۹} کتاب، احمد بن ابراهیم^۷ کتاب و هارون بن مسلم^۶ کتاب دارد.^۴ و همین طور تعداد روایانی که از آن حضرت حدیث نقل نموده‌اند، به

می‌افزاید، و این خود عامل توسعه علم و دانش و آگاهی در جامعه می‌شود.

حضرت عسکری علیه السلام در کنار تربیت شاگردان از تشویق نویسندگان غافل نبود؛ از جمله داود بن قاسم جعفری می‌گوید: کتاب «یوم و لیلۃ» از یونس آل یقطین را به حضرت عسکری علیه السلام عرضه داشتم. امام فرمود: «تَضَنِّفُ مَنْ هَذَا؛ نوشته چه کسی است؟» گفتم: نوشته یونس است. آن‌گاه فرمود: «أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ حَرْفٍ نُورًا يُنَوِّمُ الْقِيَامَةَ»^۱ خداوند در مقابل هر حرف، نوری به او در روز قیامت عطا فرماید.

البته سیره تمام امامان شیعه بر این بوده که بر نویسندگی و کتابت ترغیب و نویسندگان و قلمزنان را تشویق کنند. حضرت صادق علیه السلام به مفضل بن عمر فرمود: «أَكْتُبْ وَبَثَّ عَلَمَكَ فِي إِخْوَانِكَ، فَإِنَّ مِثَّ قَوْرَثَ كُتُبِكَ بِنِكَ، فَإِنَّهُ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ هَرَجَ مَا يَأْتَسُونَ فِيهِ إِلَّا بِكُتُبِهِمْ»^۲ دانشت را بین برادرانت بنویس و نشر بده! اگر از دنیا رفتی، فرزندان و ارث کتابهایت می‌شوند. به حقیقت زمان هرج و مرجی فرا می‌رسد که مردم جز بر نوشته‌شان انس

۱. بحار الانوار، بیروت، ج ۲، ص ۱۵۰، ح ۲۵؛ رجال النجاشی، ابوالعباس نجاشی، قم، مکتبه الداوری، ۱۴۰۲ ه. ق، ص ۴۴۷، شماره ۱۲۰۸.

۲. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۵۰، ح ۲۷.

۳. فلاح السائل، سید ابن طاووس، قم، دفتر تبلیغات، ص ۱۸۳.

۴. الذریعة الی تصانیف الشیعة، آغابزرگ تهرانی، تهران، المکتبه الاسلامیه، ج ۳، ص ۱۴۹؛ آشنایی با متون حدیث، مهریزی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول، ص ۷۷.

۱۰۶ نفر می‌رسد.^۱

۳. تألیف

حضرت عسکری علیه السلام علاوه بر تربیت شاگردان و تشویق نویسندگان، خود نیز دست به قلم برده و کتب و نامه‌های فراوانی را برای توسعه علم و دانش و هدایت و راهنمایی جامعه از خود به یادگار گذاشته است که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

یک. تفسیر القرآن که حسن بن خالد برادر محمد بن خالد آن را نقل کرده است. قابل یادآوری است که امروزه کتابی با عنوان «تفسیر الامام العسکری علیه السلام» موجود است که عالمان رجال و حدیث بر آن نقدها دارند و آن را غیر از نوشته اصلی می‌دانند.

دو. کتاب «المنقبة» که مشتمل بر بسیاری از احکام و مسائل حلال و حرام است.^۲

به جز اینها کتب دیگری نیز به آن حضرت منسوب است.^۳

سه. نامه‌های فراوان.

در زمان امام حسن عسکری علیه السلام تشیع در مناطق مختلف و شهرهای متعددی گسترش یافته بود و شیعیان

در نقاط فراوانی متمرکز شده بودند؛ شهرها و مناطقی، مانند: کوفه، بغداد، نیشابور، قم، آبه (آوه)، مدائن، خراسان، یمن، ری، آذربایجان، سامراء، جرجان و بصره که از پایگاههای شیعیان به شمار می‌رفتند. در میان این مناطق، به دلائلی سامراء، کوفه، بغداد، قم و نیشابور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بودند.^۴

حضرت برای گسترش فرهنگ تشیع، توسعه علم و دانش، و هدایت و سازندگی، نامه‌های فراوانی به آن شهرها نوشته است، مانند: نامه آن حضرت به شیعیان قم و آوه که متن آن در کتابها مضبوط است،^۵ و نامه‌های

۱. ر. ک: الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۴، صص ۲۸۳ - ۲۹۷؛ آشنایی با متون حدیث، مهریزی، ص ۷۷.

۲. الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۳، ص ۱۴۹.

۳. تدوین السنة، سید محمد رضا حسینی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۸ ه. ق، ص ۱۸۵.

۴. حیاة الامام العسکری، محمد جواد طیبی، قم، دفتر تبلیغات، ص ۲۲۳؛ تاریخ الشیعة، شیخ محمد حسین مظفر، مکتبة بصیرتی، ص ۶۲، ۷۸ و ۱۰۲؛ سیره پیشوایان، ص ۶۳۲.

۵. معادن الحکمة فی مکاتب الائمة، فیض کاشانی، ص ۲۶۴.

مواجه کند. یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های علمی حضرت عسکری علیه السلام شبیه‌زدایی بود که در این زمینه به برخی نمونه‌ها اشاره می‌شود:

یک. در دورانی که امام حسن عسکری علیه السلام در زندان بود، یکسال بر اثر خشکسالی قحطی شدیدی به وجود آمد. علمای اسلام مردم را جمع کرده، برای نماز استسقاء (طلب باران) به بیابان بردند و نماز خواندند. این قضیه چندین بار تکرار شد و اثری از باران دیده نشد؛ اما علمای نصارا وقتی با مسیحیان نماز استسقا خواندند، باران آمد و چندین بار این قضیه تکرار شد.

این موضوع باعث سرشکستگی و آبروریزی مسلمین شد. یکی از شیعیان به هر نحوی بود، خود را به زندان رساند؛ اما قبل از آنکه جریان را خدمت امام حسن عسکری علیه السلام عرض کند، با تعجب دید در میان زندان قبر آماده‌ای

فراوان حضرت به مردم مدینه،^۱ و نامه‌ای که امام به «ابن بابویه» نوشته، و نامه مفصلی که حضرت خطاب به «اسحاق بن اسماعیل» و شیعیان نیشابور نوشته است.^۲

در نامه اخیر، آن حضرت پس از توضیح درباره نقش امامت در هدایت امت اسلامی و تشریح ضرورت و اهمیت پیروی از امامان و هشدار از سرپیچی از فرمان امام، نوشته‌اند: «...ای اسحاق! تو فرستاده من نزد ابراهیم بن عبده هستی تا وی به آنچه من در نامه‌ای که توسط محمد موسی نیشابوری فرستاده‌ام، عمل کند. تو و همه کسانی که در شهر تو هستید، موظفید بر اساس نامه مزبور عمل کنید.»^۳

۴. پاسخ به شبهات

وجود پرسش و طرح شبهه می‌تواند باعث بالندگی و رشد جامعه شود، به شرطی که به آن پاسخ صحیح و هدایتگر داده شود. گاه ممکن است در جامعه شبهات ویرانگری به وجود آید که اگر درست جواب داده نشود، کل جامعه اسلامی را می‌تواند با خطر

۱. بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۳۱۷.

۲. همان.

۳. اختیار معرفة الرجال، شیخ طوسی، دانشگاه مشهد، ص ۵۷۵؛ بحارالانوار، ج ۵۰، صص ۲۱۹-۳۲۳.

ولی علمای نصرانی هر باری که نماز خواندند، باران بارید و اگر امروز هم به دعای آنها باران بیارد، ترس آن است که مسلمانان و شیعیان در عقیده خود متزلزل شوند و به مسیحیت گرایش پیدا کنند.

حضرت فرمود: عالم نصرانی تکه‌ای از استخوان بدن یکی از پیامبران را همراه دارد که آن را در میان انگشتان خود گذاشته [و همان را وسیله اجابت دعای خویش قرار داده]؛ لذا باران می‌بارد. تو خود را فوراً به او برسان و آن را از میان انگشتان او بیرون آور! این عمل باعث پراکندگی ابرها و قطع باران می‌شود.

آن مرد با سرعت خود را به محل نماز مسیحیان رساند و استخوان را برداشت. اتفاقاً ابرها پراکنده شدند و علمای مسیحی هر چه کردند، باران نیارید؛ لذا شرمنده شدند و مسلمانان مخصوصاً شیعیان از شک و تردید بیرون آمدند و بر ایمان و اعتقاد خویش استوار گشتند.^۱

۱. نور الابصار، شیلنجی، ص ۱۶۷؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، قم، کتابفروشی

وجود دارد. با چشم گریان عرض کرد: من طاقت ندارم شما را در این قبر دفن کنند. حضرت فرمود: ناراحت نباش! خداوند نیز چنین مقدر نکرده است. بعد از شنیدن این سخن، عرض کرد: دو مطلب و پرسش مهم مرا به اینجا کشانده است:

۱. پرسش اول این است که در روایات وارده از شما آمده است که با روزگار دشمنی نکنید (لَا تُعَادُوا الْأَيَّامَ) منظور از این روایات چیست؟

حضرت عسکری علیه السلام فرمود: منظور از روزگار، ما اهل بیت هستیم؛ شنبه متعلق به حضرت رسول صلی الله علیه و آله، یکشنبه متعلق به علی علیه السلام [و فاطمه زهرا علیها السلام]، دوشنبه متعلق به امام حسن و امام حسین علیهما السلام، سه شنبه مربوط به امام سجاد و امام باقر و امام کاظم و امام رضا علیهم السلام، چهارشنبه متعلق به امام جواد و پدرم حضرت هادی علیه السلام، و پنجشنبه متعلق به من است و جمعه مربوط به فرزندم مهدی علیه السلام می‌باشد.

۲. پرسش دوم این است که علمای اسلام سه روز برای نماز باران به بیابان رفتند و نماز خواندند و بارانی نیامد،

فرهنگی امام عسکری علیه السلام برخوردار با بدعتها، تحریفات و انحرافات بود که در جامعه پیش می‌آمد؛ مخصوصاً اگر این انحرافات از ناحیه اهل قلم و دانشمندان و علما سر می‌زد، حضرت نسبت به آن خیلی حساس بود، و این خود درس بزرگی است برای علما که در مقابل انحرافات و تحریفات و بدعتهایی که در جامعه ایجاد می‌شود، سکوت اختیار نکنند.

به نمونه‌ای در این زمینه توجه فرمایید:

«اسحاق کِنْدی» که از فلاسفه اسلام و عرب به شمار می‌رفت و در عراق اقامت داشت، کتابی تألیف کرد به نام «تناقضهای قرآن»! او مدتهای زیادی در منزل نشسته و گوشه‌نشینی اختیار کرده و خود را به نگارش آن کتاب مشغول ساخته بود. روزی یکی

به نقل دیگر، خلیفه وقت عباسی امام حسن عسکری علیه السلام را از حبس بیرون آورد و به بیابان برد و جریان را به او عرض کرد. حضرت جریان استخوان را گوشزد نمود و دستور داد یکی از خادمانش استخوان را از دست عالم مسیحی بیرون آورد. او نیز چنین کرد و در نتیجه، باران نیامد. آن‌گاه خود حضرت دست به دعا برداشت و باران شدیدی شروع به باریدن کرد.^۱

دو. مردی از امام یازدهم سؤال کرد: چرا سهم الارث مردان دو برابر سهم الارث زنان است؟ مگر زن بیچاره چه گناهی دارد؟ حضرت عسکری علیه السلام در جواب فرمود: برای اینکه نفقه (و خرج) به عهدهٔ مرد بیشتر از زن است؛ مرد در جهاد و جبهه شرکت می‌کند، هزینه زندگی خانواده‌اش را باید تأمین کند، در قتل و جرح خطایی پرداخت دیه بر «عاقله» یعنی مردان فامیل واجب است، ولی زن در تمام این هزینه‌ها معاف است...»^۲

۵. برخورد با انحرافات و تحریفات
از دیگر فعالیت‌های علمی و

مصطفوی، ج ۴، ص ۴۲۵؛ داستانهای صاحب‌الدان، محمدی اشتهاردی، ج ۲-۱، صص ۱۱۹-۱۲۰.
۱. بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۳۷۰؛ فصول المهمة، ابن صباغ مالکی، چاپ قدیم، صص ۳۰۴-۳۰۵.
۲. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۳۷؛ اثبات الهداة، حرّ عاملی، قم، مطبعة العلمية، ج ۳، ص ۴۰۷، شماره ۳۲.

می‌دانید، شاید گوینده قرآن معانی دیگری غیر از آنچه شما حدس می‌زنید، اراده کرده باشد و شما الفاظ او را در غیر معنای خود به کار برده باشید! امام در اینجا اضافه کرد: او آدم باهوشی است، طرح این نکته کافی است که او را متوجه اشتباه خود کند.

شاگرد به حضور استاد رسید و طبق دستور امام رفتار کرد تا آنکه زمینه برای طرح مطلب مساعد گردید. سپس سؤال امام را مطرح و جواب پیش‌بینی شده را گرفت. استاد که می‌دانست شاگرد او چنین سؤالی را از پیش خود نمی‌تواند طرح نماید و در حدّ اندیشه او نیست، رو به شاگرد کرد و گفت: تو را قسم می‌دهم که حقیقت را به من بگویی، چنین سؤالی از کجا به فکر تو خطور کرد؟

شاگرد: چه ایرادی دارد که چنین سؤالی به ذهن من آمده باشد؟
استاد: نه! تو هنوز زود است که به چنین مسائلی رسیده باشی. به من بگو این سؤال را از کجا یاد گرفته‌ای؟
شاگرد: حقیقت این است که «ابو محمد» مرا با این سؤال آشنا کرد.

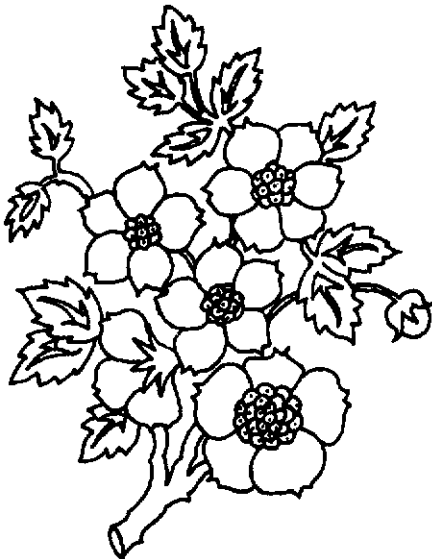
از شاگردان او به محضر امام عسکری علیه السلام شرفیاب شد. هنگامی که چشم حضرت به او افتاد، فرمود: آیا در میان شما مرد رشیدی وجود ندارد که گفته‌های استادان «کندی» را پاسخ گوید؟ شاگرد عرض کرد: ما همگی از شاگردان او هستیم و نمی‌توانیم به اشتباه استاد خود اعتراض کنیم. امام فرمود: اگر مطالبی به شما تلقین و تفهیم شود، می‌توانید آن را برای استاد خود نقل کنید؟

شاگرد گفت: آری! حضرت فرمود: بعد از برگشتن نزد استاد با او به گرمی و محبت برخورد کن و سعی نما با او انس و الفت پیدا کنی. هنگامی که کاملاً انس و آشنایی به عمل آمد، به او بگو: مسئله‌ای برای من پیش آمده است که غیر از شما کسی شایستگی پاسخ آن را ندارد و آن این است که: آیا ممکن است گوینده قرآن از گفتار خود معانی‌ای غیر از آنچه شما حدس می‌زنید، اراده کرده باشد؟

او در پاسخ خواهد گفت: بلی! ممکن است چنین منظوری داشته باشد. در این هنگام بگو: شما چه

وجود پرسش و طرح شبهه می‌تواند باعث بالندگی و رشد جامعه شود، به شرطی که به آن پاسخ صحیح و هدایتگر داده شود.

سحرگهان که نسیم حیات چون دم عیسی
وزید صور صفت بر بساط پهنه خضرا
بشارت آمد از قدسیان به عالم امکان
که فیض می‌رسد از مصدر عنایت یکتا
حدیثه مام و حسن نام و عسکری لقب آمد
قدم نهاد و سحرگه به ارض اقدس بطحا
پسر به حضرت هادی پدر به مهدی قائم علیه السلام
امام عسکری علیه السلام آن حجت خدای تعالی
ز صلب این به وجود آید آن که بعد ظهورش
امید نوح و خلیل است و مقتدای مسیحا^۲



استاد: اکنون واقع امر را گفتی.
سپس افزود: چنین سؤالهایی تنها
زیبنده این خاندان است [آنان هستند
که می‌توانند حقیقت را آشکار سازند].
آن‌گاه استاد با درک واقعیت و توجه به
اشتباه خود، دستور داد آتشی روشن
کردند و آنچه را که به عقیده خود
درباره «تناقضهای قرآن» نوشته بود،
تماماً سوزاند.^۱

از آنچه گفته شد به خوبی وسعت
تلاشهای علمی حضرت آشکار
می‌گردد.

۱. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج ۴،
ص ۴۲۴؛ سیره پیشوایان، صص ۶۲۸-۶۳۰ با
تلخیص.

۲. محمد آزردهگان (واصل).